

The Construction and Normalization of the Love Story Scale and its Relation with Marital Satisfaction

ساخت و هنجاریابی مقیاس قصه عشق و بررسی رابطه آن با رضایت زناشویی*

Parvaneh Alaie, M.A.
Aboolfazl Karami, Ph.D.

پروانه علانی**
دکتر ابوالفضل کرمی***

Abstract

This research was designed to construct and normalize the Love Story Scale (LSS), and to study its relation to marital satisfaction. The statistical sample which comprised of 403 couples (primary and preparatory school students' parents) of the City of Tabriz, Iran, was chosen through random multistage clustering. This research started with a 200 item questionnaire and was performed in two stages. In the pilot stage with a sample of 38 couples, content validity and reliability coefficients (test-retest and internal consistency) were assessed. Then two 100 item questionnaires were finalized for men and women. In the final stage, the Hadson Marital Satisfaction Scale (2000) and the LSS were completed by 403 couples. The reliability of LSS was assessed through Alpha Cronbach internal consistency coefficients, its validity was assessed through criterion and construct validity through exploratory factor analysis and group differences. Results indicated that: the LSS has acceptable psychometric properties. There is a consistency among couples love stories, lower similarity in couples love story profiles, in creases their marital unsatisfaction. There is a significant positive relationship among more prosocially and equal roles love stories and marital satisfaction, and this case is negative about less prosocially and more manipulative and non equal roles love stories. There is significant difference among men and women in 24 love stories and roles. There is a significant difference among means of love stories of either men or women. Generally, the results were consistent with previous research. Considering foundations and limitations, LSS is a reliable Scale for use in counseling centers and in researches.

Keywords: Love Story Scale, reliability, validity, marital satisfaction.

چکیده

هدف اصلی این پژوهش، ساخت و هنجاریابی مقیاس قصه عشق (LSS) و بررسی رابطه آن با رضایت زناشویی بود. نمونه آماری شامل ۴۰۳ زوج از میان والدین دانش آموزان دبستانی و پیش دبستانی شهرستان تبریز، به روش نمونه گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شد. پژوهش با یک پرسشنامه ۲۰۰ گویه‌ای آغاز و در دو مرحله انجام گرفت. در مرحله مطالعه مقدماتی با یک نمونه ۳۸ زوجی، روایی محتوایی و همسانی درونی به روش ضریب آلفای کرونباخ و پایایی زمانی مقیاس بررسی شد و پرسشنامه ۱۰۰ سؤالی در دو فرم زنان و مردان تنظیم گردید. در مرحله نهایی، پس از اجرای مقیاس رضایت زناشویی هادسون (۱۳۷۹) و LSS روی ۴۰۳ زوج، پایایی LSS به روش ضریب آلفای کرونباخ و روایی آن به روش ملاکی و سازه به دو شیوه تحلیل عاملی اکتشافی و تفاوت‌های گروهی بررسی شد. در نهایت، این نتایج به دست آمد: مقیاس قصه عشق از ویژگی‌های روانسنجی قابل قبولی برخوردار است. بین قصه‌های زوج همسانی وجود دارد و هرچه تشابه نیمرخ قصه‌های زوج کمتر باشد، عدم رضایت آنها بیشتر خواهد بود. عموماً، رابطه مثبت معنی داری بین قصه‌های گروه جامعه‌پسند و رضایت زناشویی به دست آمد. این رابطه در مورد قصه‌های گروه سلطه‌جو منفی بود. در ۲۴ قصه و نقش بین میانگین دو گروه زنان و مردان تفاوت معنی داری وجود دارد. بین میانگین قصه‌ها و نقش‌ها در هر دو گروه تفاوت معنی دار دیده شد. به طور کلی، یافته‌های به دست آمده با نتایج پژوهش‌های پیشین همخوانی دارد. با در نظر گرفتن یافته‌ها و محدودیت‌ها، می‌توان «LSS» را در کارهای پژوهشی و مراکز مشاوره به کار برد.

واژه های کلیدی: مقیاس قصه عشق، پایایی، روایی، رضایت زناشویی

مقدمه

در باب عشق و جذب عشاق به یکدیگر نظریه‌های بسیاری ارائه شده است. روبین (۱۹۷۳) بین دوست داشتن و عشق ورزیدن تفاوت قائل شده و عشق را ترکیبی از سه مؤلفهٔ دل‌بستگی، صمیمیت و توجه می‌داند که فرد در درون خود نسبت به دیگری احساس می‌کند. لی (۱۹۷۳) مدل چرخه‌ای عشق را معرفی می‌کند که در آن فقط سه رنگ زرد، قرمز و آبی وجود دارد و در نتیجه سه سبک نخستین عشق نیز وجود دارد: اروس^۱ (عشق به یک فرد آرمانی)، لودوس^۲ (عشق به عنوان بازی یا عشق تفتنی)، استورگ^۳ (عشق دوستانه). ترکیب این سه سبک نخستین، سبک‌های متعدد عشق را به وجود می‌آوردند که برخی از آنها ویژگی‌های کاملاً متفاوتی از عناصر سازندهٔ خود دارند. این سبک‌ها عبارتند از عشق عملگراییانه^۴ (ترکیبی از لودوس و استورگ)، عشق شیدایی^۵ (ترکیبی از لودوس و اروس)، عشق وظیفه‌شناختی^۶ (ترکیبی از لودوس و استورگ)، هاتفیلد و والستر (۱۹۷۸) نیز عشق را به دو نوع اصلی تقسیم نموده است: عشق شهوانی^۷ و عشق مصاحبتی^۸. به اعتقاد وی بهترین شکل عشق ترکیبی از این دو نوع است. آرون و آرون (۱۹۸۶) با ارائهٔ نظریهٔ عشق به مثابه راهی برای بسط و گسترش خود، بیان می‌کنند که اشخاص جذب کسانی می‌شوند که فرصتی برای بسط و گسترش آنها به شمار آیند و مشابهت برای این رابطه یک پیش‌شرط به حساب می‌آید. استرنبرگ (۱۹۸۶) نیز با ارائهٔ نظریهٔ سه وجهی عشق^۹، عشق را ترکیبی از سه عنصر صمیمیت، شهوت و تعهد می‌داند که ترکیب مختلف این سه عنصر انواع مختلف عشق را بوجود می‌آورد و وقتی همهٔ عناصر به طور متوازن حضور داشته باشند، کامل‌ترین نوع عشق، یعنی عشق تمام عیار و کامل^{۱۰} به وجود می‌آید. در این نظریه، هر چقدر مثلث‌های دو زوج بیشتر شبیه به هم باشند، سطح رضایت‌مندی بیشتری را در روابطشان تجربه خواهند نمود. کسیدی و شاور (۱۹۸۹) نیز معتقدند که عشق به یک فرد بزرگسال می‌تواند ادامهٔ فرایند دل‌بستگی تلقی شود. آنان عشق

را به عنوان یکپارچگی سه نظام رفتاری بر پایهٔ زیستی، یعنی دل‌بستگی، مراقبت و تمایلات جنسی مفهوم‌سازی می‌کنند. هر یک از این سه مورد، مجموعه رفتارها و عملکردهای مجزای خودش را دارد و این همان چیزی است که احتمالاً دلیل انواع مختلف عشق محسوب می‌شود. نظریه‌های مطرح شده دربارهٔ عشق، تعاریف مختلفی از عشق ارائه می‌کنند و آن را به انواع مختلف تقسیم‌بندی می‌کنند، ولی هیچ یک به این سؤاها پاسخی نمی‌دهند که: چرا افراد عاشق شخص بخصوصی می‌شوند و نه عاشق کس دیگر؟ و چرا انتخاب‌های افراد غالباً مشابه هم هستند، هرچند ممکن است تمامی آنها با شکست مواجه شده باشند؟... استرنبرگ (۱۹۹۴) در پاسخ به این سؤاها و نیز در انتقاد از نظریه سه وجهی خود و سایر رویکردها، نظریه «عشق به مثابه یک داستان»^{۱۱} را ارائه نموده است. این دیدگاه مبتنی بر این فرض است که آدمیان گرایش دارند عاشق کسانی شوند که قصه‌هایشان با هم یکی یا مشابه است. وی ادعان می‌دارد که این نظریه و هیچ نظریهٔ دیگری در باب عشق کامل نیست، اما نظریهٔ عشق به مثابه یک داستان شاید بیش از هر نظریهٔ دیگری بتواند توضیح دهد که چرا انتخاب‌های افراد با یکدیگر متفاوتند، ولی انتخاب‌های یک فرد معمولاً مشابه همدیگرند. چرا رابطهٔ دو شریکی که از نظر سایرین دردناک، زجرآور و غیرقابل تحمل می‌نماید، سالها ادامه می‌یابد و هر دو شریک از آن راضی هستند، در حالی که رابطهٔ دو شریکی که به ظاهر توأم با سعادت و سلامت است و نمونهٔ یک رابطهٔ آرمانی و کامل به شمار می‌آید، تداوم ندارد و سرانجام از هم جدا می‌شوند و هر یک به دنبال شخص مناسب خویش می‌روند. استرنبرگ (۱۹۹۴، ۲۰۰۱) ۲۵ نوع قصه را عنوان می‌کند که هشت نوع آن دارای نقش‌های مکمل^{۱۲} هستند. عناوین این قصه‌ها همراه با توضیح مختصر در هر مورد در جدول ۱ آمده است. در این جدول، همسر معادل شریک^{۱۳} در نظر گرفته شده و به معنای کسی است که فرد با وی رابطهٔ عشقی - عاطفی دارد.

جدول ۱ - انواع قصه‌های عشق و نقش‌های آن

عنوان قصه‌ها و نقش‌ها	توصیف محور کلی قصه و نقش
۱ ایثار Sacrifice	عشق یعنی گذشتن از خود و فداکاری به نفع همسر یا خواسته‌های او
حکومت Government	قدرت، موضوع کلیدی و اصلی رابطه است.
۲ حاکم (نقش) Governor	چگونگی رابطه توسط یک فرد تعیین می‌شود و او سعی در کنترل همه جانبهٔ همسرش دارد.
رعیت (نقش) Governed	فرد خواسته یا ناخواسته اجازه می‌دهد همسرش رابطه و حتی خود او را کنترل نماید.
پلیس Police	نظارت و آگاهی از شریک و رابطه در هر شرایط، موضوع محوری عشق است.
پلیس (نقش) Officer	عشق به مانند آن است که فرد برگه‌ای را پیش روی همسرش قرار می‌دهد و او را متعهد می‌سازد که تابع قوانین خاصی باشد، فرد به خود حق می‌دهد از همه چیز همسرش آگاه باشد.
۳ مظنون (نقش) Suspect	فرد نیاز به همسری دارد که دائما او را تحت نظر و کنترل خود داشته باشد و از تمام مسائل او آگاه باشد.

- 1-Eros
- 2-Ludus
- 3-Storg
- 4-Pragma
- 5-Mania
- 6-Agape
- 7-Passionate Love

- 8-Comparative Love
- 9-A Triangular Theory of Love
- 10-Consummative Love
- 11-Love as a Story
- 12-Complementary
- 13-Partner

عشق صورت زشتی دارد و تماما حول رابطه جنسی و مسائل جنسی است.	Pornography	پورنوگرافی	
فرد نیازمند رابطه و همسری است که به او به چشم یک شی جنسی نگاه شود و اجازه می‌دهد با او رابطه جنسی حتی آزارنده، تحقیرکننده و زشتی داشته باشد.	Object	مفعول (نقش)	۴
فرد با همسر خود رابطه زشت و تحقیر کننده و آزارنده‌ای دارد و همسرش را به چشم یک شی می‌بیند.	Subject	فاعل (نقش)	
رابطه زمانی جالب و مهیج و ادامه دار است که ترس، وحشت و نگرانی جزئی از رابطه باشد.	Horror	وحشت	
فرد، همسرش را دچار ترس و وحشت می‌کند.	Terrorize	وحشت افکن (نقش)	۵
فرد از طرف همسرش دچار وحشت، ترس و نگرانی می‌شود.	Victim	قربانی (نقش)	
احساس اینکه همسر، فردی است غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل درک، با رفتارهایی عجیب و خیلی متفاوت.	Science-fiction	علمی - تخیلی	۶
همسر به چشم جزئی از یک مجموعه انگاشته می‌شود تا آن را کامل کند، اجزای بیشتر نشان‌دهنده جذابیت و تکامل بیشتر مجموعه است.	Collection	مجموعه داری	۷
عشق به همسر به خاطر جذابیت‌های فیزیکی وی، اهمیت داشتن آراستگی و زیبایی ظاهری و همیشگی همسر.	Art	هنر	۸
هسته اصلی توجه همسران معطوف به خانه و امور مربوط به آن، چون رسیدگی، مراقبت و نگهداری از آن، است.	Home	خانه و خانواده	۹
طرز فکر نجات و کمک، موضوع محوری عشق است.	Recovery	بهبودی	
فرد شرایط سختی داشته و یا دارد و برای سپری کردن آن به کمک همسرش نیازمند است.	Recoverer	درحال بهبودی (نقش)	۱۰
همسر فرد، کسی است که شرایط سخت و دشواری داشته و یا دارد و اینک به کمک او نیازمند است، خود وی نیز به این کمک کردن احتیاج دارد.	Codependent	هم اعتماد (نقش)	
عشق به عنوان چیزی مقدس نگریسته می‌شود، مجموعه احساسات و افکاری که از طریق مذهب القاء می‌شود و یا به فرد در جهت رسیدن به تقدس کمک می‌کند.	Religion	مذهب	۱۱
عشق به چشم یک بازی رقابتی دیده می‌شود، همسران بیشتر رقیب هم هستند تا شریک و همسر هم.	Game	بازی	۱۲
عشق یعنی سفر کردن که می‌تواند عینی یا روانی باشد، فرایند تغییر و تحول و رشد مداوم.	Travel	سفر	۱۳
عشق همان چیزی است که همسران خود آن را به وجود می‌آورند، می‌توانند خود آن را شکل داده و به هر صورتی که بخواهند درآورند.	Sewing	بافندگی	۱۴
رابطه نیازمند توجه و مراقبت دائمی و همه‌جانبه همسران است تا رشد نموده و پربار شود.	Garden	باغ و باغچه	۱۵
رابطه، مبتنی بر جایگاه و موقعیت اقتصادی همسران است، دارایی اهمیت دارد و اشخاص، همسرشان را به چشم شرکای تجاری می‌بینند.	Business	تجارت	۱۶
دل بستگی اضطرابی قوی، رفتار توأم با توجه و مراقبت نسبت به همسر و تجربه اضطراب شدید در صورت از دست دادن وی.	Addiction	اعتیاد	۱۷
تصور نجات فرد توسط یک منجی آرمانی و یافتن او و در نهایت ازدواج با وی و داشتن زندگی سرشار از عشق و شادی همیشگی پس از ازدواج.	Fantasy	خیال	۱۸
حفظ و نگهداری تمام رویدادها و جزئیات یک رابطه به صورت روانی - ذهنی یا فیزیکی - عینی.	History	تاریخ	۱۹
عشق مثل پدیده‌های طبیعی، صورت منطقی و عینی دارد؛ می‌تواند ارزیابی، تجزیه و تحلیل و درک شود.	Science	علم	۲۰

انجام کارها بر اساس یک روش معین، رعایت دستورالعمل مشخص و از پیش تعیین شده منجر به افزایش موفقیت در رابطه و کاهش شکست می‌شود.	Cookbook	آشپزی	۲۱
عشق مجموعه‌ای از مشاجرات و نبردهای تکراری و نابود کننده است و همین موجب دوام رابطه می‌شود.	War	جنگ	۲۲
عشق به مانند یک نمایشنامه با متن، نقش‌ها و پرده‌های مشخص و قابل پیش‌بینی است.	Theatre	تئاتر	
فرد در روابط خود بر اساس یک نمایشنامه از پیش‌نوشته شده همراه با جزئیات آن رفتار می‌کند، کارگردان و بازیگر این نمایش خود فرد است.	Actor	هنرپیشه (نقش)	۲۳
فرد درگیر رابطه‌ای می‌شود که جزئی از نمایشنامه خود نوشته همسرش است، نه شریک واقعی وی.	Fan	هوادر (نقش)	
عشق به چشم موضوع خنده نگریسته می‌شود و رابطه شکل عجیبی دارد و توام با خنده و شوخی افراطی است.	Humor	طنز	
فرد درگیر رابطه‌ای است که همسرش اغلب مسائل را با شوخی و خنده برگزار می‌کند.	Audience	تماشاچی (نقش)	۲۴
فرد با موضوعات و مسائل زندگی با شوخی و خنده بیش از حد روبرو می‌شود.	Comedian	کمدین (نقش)	
محور و موضوع عشق پیچیدگی است، رابطه سرشار از رمز و راز است که باید کشف شود.	Mystery	معما	
فرد و رابطه‌اش همراه با پیچیدگی و ابهام است و معمولاً اجازه نمی‌دهد همسرش به آسانی او را بشناسد.	Mystery figure	چهره معمایی (نقش)	۲۵
فرد سعی در شناخت همسر و کشف ابهامات رابطه و رموز آن دارد.	Sleuth	کارآگاه (نقش)	

(برگرفته از مقاله استرنبرگ و همکاران، ۲۰۰۱ و کتاب قصه عشق استرنبرگ، ۱۹۹۱)

قصه‌ها قابل توجه هستند. شاید ما از دیدگاه و طرز فکرمان نسبت به عشق آگاه نباشیم و ندانیم که چه قصه‌ای داریم، ولی آنها را به عنوان ویژگی‌های درست و واقعی از چیزی که عشق هست یا باید باشد تلقی نکنیم. اگر کسی نتواند خود را با روابطی که دارد منطبق سازد، احساس نابسندگی می‌کند و نیز اگر کسی دیدگاه خاصی از عشق داشته باشد، ولی نتواند آن را تحقق ببخشد، باز هم دچار نابسندگی خواهد شد. پنجم، داستان‌های عشق در درون خود نقش‌های مکمل دارند. ما به دنبال کسانی هستیم که قصه آنها کمابیش با قصه ما سازگار باشد، ولی کاملاً مثل ما نباشد و بتواند نقش مکمل ما را در آن قصه ایفا کند. بنابراین، مردم در پی کسانی هستند که در برخی سطوح مشابه آنها هستند و در برخی سطوح با آنها فرق می‌کنند. از این نقطه نظر، هیچ یک از نظریه‌های مشابه بودن^۵ (بیرنه، ۱۹۷۱) و مکمل بودن^۶ (کرچ کوف و داویس، ۱۹۶۲) در خصوص عشق درست نیستند. بلکه آنچه که ما در پی آن هستیم به سطح خود ما بستگی دارد. ششم، هر یک از داستان‌ها مزایا و معایب سازگارانهای دارند. ممکن است یک داستان خاص با ابعاد محیط اجتماعی معینی سازگاری نسبتاً زیادی داشته باشد. هفتم، برخی از داستان‌ها موفقیت بالقوه بیشتری نسبت به سایر داستان‌ها دارند. به عنوان مثال، برخی داستان‌ها زودگذر هستند و دوام چندانی ندارند ولی برخی داستان‌ها مادام‌العمر و همیشگی هستند. هشتم، داستان‌ها هم علت هستند و هم معلول و همواره با زندگی ما در تعاملند. داستان‌هایی که ما با خود وارد روابطمان می‌کنیم، موجب می‌شوند تا مسائل خاصی را باور کنیم و حتی به شیوهٔ بخصوصی رفتار کنیم و در عین حال رشد

در باب قصه‌ها چند موضوع کلیدی و قابل توجه وجود دارد (استرنبرگ، حجت و بارنز، ۲۰۰۱): اول، فهرست عناوین قصه‌های عشق، بیانگر گسترهٔ وسیع مفاهیمی است از آنچه که عشق می‌تواند باشد، ولی محدود به آنها نیست. هر کس هر قصه‌ای که داشته باشد آن را خودش می‌نویسد و ممکن است با قصهٔ سایرین متفاوت باشد، حتی اگر نوع قصه یکی باشد. از طرفی برخی قصه‌ها، همچون قصهٔ باغ در قیاس با برخی قصه‌های دیگر معمول‌تر و رایج‌تر هستند. دوم، هر داستانی الگوی خاصی از افکار و رفتار را دارد؛ برای مثال، کسی که قصهٔ عشق او قصهٔ بازی است نسبت به کسی که قصهٔ عشق او قصهٔ مذهب است، رفتار متفاوتی خواهد داشت. سوم، بین دیدگاه قصهٔ عشق و سایر دیدگاه‌های موجود در زمینهٔ عشق همپوشی ذاتی وجود دارد. برای مثال، قصهٔ عشق بازی با سبک عشق لودوس لی (۱۹۷۷) سازگاری و همخوانی دارد. به نظر می‌رسد که قصهٔ مذهب به سبک دلبستگی مضطرب - دوسوگرا^۱ (شاور، هازن و برادشاو، ۱۹۸۸) مشابه است. قصهٔ خیال مشابه مفاهیم نوعی عشق رمانتیک^۲ است و غیره. تفاوت در این است که دیدگاه عشق به مثابه یک داستان سعی در درک و دستیابی به غنای داستان دارد که ساختار روابط را شکل می‌دهد، درحالی که سایر نظریه‌ها، ساختارهای مختلف را راهی برای نگرستن به روابط عاشقانه می‌پندارند. نظریهٔ عشق به مثابه یک داستان بر بافتار داستان تأکید می‌کند. چهارم، همان طور که «افکار خودآیند»^۳ در دیدگاه شناختی مورد بررسی و تفحص قرار می‌گیرند (بک، ۱۹۷۶؛ ایس، ۱۹۷۳)، داشتن قصهٔ خاصی از عشق نیز می‌تواند منجر به تعریف ما از چیستی روابط عاشقانه شود. در نتیجه،

1-Anxious-Ambivalent Attachment Style

2-Romantic Love

3-Automatic Thoughts

4-Inadequate

5-Similarity

6-Complementarily

بازی، حکومت، وحشت (قربانی و وحشت‌افکن)، طنز (کم‌دین)، معما (چهرهٔ معمایی)، پلیسی (پلیس)، بهبودی (هم‌اعتیاد)، علمی - تخیلی، تئاتر (هنرپیشه و هوادار) و رضایت رابطهٔ منفی معنی‌دار به دست آمد. هیچ یک از قصه‌ها با رضایت از ارتباط، رابطهٔ مثبت معنی‌دار نداشت؛ به عبارتی، خود قصه‌ها به تنهایی با رضایت زناشویی رابطهٔ مثبت ندارند، ولی وقتی زوج هردو همان قصه را دارند، به دلیل مشابهت قصه‌هایشان رضایت آنان از روابطشان بیشتر خواهد بود.

عابدی (۱۳۸۳) در یک مطالعهٔ موردی بر روی ده نفر مراجعه‌کننده به مرکز مشاوره دانشگاه اصفهان که شکایت اصلی آنان در رابطه با عشق بوده و چهار نفر به صورت زوجی و شش نفر به صورت انفرادی مراجعه کرده بودند، کار درمانی و مشاوره‌ای را بر مبنای نظریهٔ عشق به مثابه داستان انجام داد. در مورد همه مراجعه‌کنندگان هشت جلسه مشاوره انجام شد. نتایج پژوهش، حاکی از تاثیر نسبی این نوع مداخله در سالم‌سازی رفتارهای عاشقانه دانشجویان است. از شش نفر مراجعه‌کنندهٔ انفرادی، سه نفر مبتلا به عشق از نوع عشق شیدایی بودند که به نوعی، بیماری روانی است. از این سه نفر، دو نفر مبتلا به اختلال خلقی دو قطبی^۱ و یک نفر هم مشکوک به این اختلال بود. از سه نفر دیگر، یک نفر توسط فردی که اختلال مرزی^۲ داشت، مورد توجه قرار گرفته بود و به هیچ عنوان نمی‌توانست خود را از دام او برهاند و در فکر رهایی از این دام بود و دو نفر دیگر نیز به عشق از نوع عمل‌گرایانه مبتلا بودند و به نوعی در صدد رسیدن به معشوق خود بودند که توسط آنها رها شده بودند. در چهار زوج مراجعه‌کننده نشانه‌هایی از علائم اختلال خلقی وجود داشت، رابطه به صورت عاطفی و پرخاشگرانه ادامه می‌یافت و ضمن شک در ادامهٔ رابطه، امکان قطع رابطه وجود نداشت. نتایج مشاوره بر اساس نظریهٔ عشق به مثابه یک داستان، حاکی از این بود که در پایان جلسات، بصیرت بیشتری در همهٔ افراد ایجاد شده بود. از آنجا که به عنوان بخشی از درمان، افرادی که مبتلا به اختلال خلقی بودند، برای دارو درمانی ارجاع شدند، کنترل بیشتری بر رفتارها حاصل شد. آنچه بیش از همه کمک‌کننده بود، داستان‌های ۲۵ گانهٔ استرنبرگ بود که مسیر زندگی هر یک را تعیین می‌کرد. اگر چه در هیچ مورد قطع وابستگی به طور کامل رخ نداد، ولی رفتارهای سالم‌تر تقریباً در همهٔ افراد ایجاد شد. ضمن اینکه رفتارهای بسیار افراطی کنترل شده بود و تفکر در مورد شیوهٔ صحیح ادامه رابطه افزایش یافته بود.

از محدود تحقیقات انجام شده، می‌توان کارآمدی و اعتبار نظریه و تأیید فرض‌های آن را پذیرفت. اما تقریباً تمامی این پژوهش‌ها در جامعه‌ای متفاوت با شرایط و بافت فرهنگی و اجتماعی متفاوت انجام گرفته است، حال آنکه قصه بشدت تحت تاثیر فرهنگ و آداب و رسوم و باورهای انسان‌هاست (استرنبرگ، ۱۹۹۴، ۱۹۹۶، ۲۰۰۱). به نظر می‌رسد با عنایت به تحقیق عابدی (۱۳۸۳) انجام پژوهش‌های بیشتر بر اساس نظریهٔ «عشق به مثابه یک داستان» مفید و سودمند باشد. به ویژه، با در نظر گرفتن این واقعیت که ازدواج خوب، اساس تشکیل یک خانوادهٔ سالم است و سهم به‌سزایی در بهداشت روانی افراد دارد. به طوریکه مهمترین عامل پیش‌بینی‌کنندهٔ بهداشت روانی افراد متأهل روابط با همسر است (لاسول و لاسول، ۱۹۹۱). از سوی دیگر، علت مراجعهٔ گروه کثیری از مراجعان به مراکز مشاوره، به نوعی در رابطه با ازدواج و مشکلات زناشویی است، به طوریکه بیش از ۴۰ درصد مراجعان بهداشت روانی به نحوی مشکلات زناشویی دارند (دنون، ۲۰۰۳). در میان انبوه مراجعان

شخصی و تعاملات ما با دیگران، داستان‌ها و روابط ما را شکل داده و تغییر و تعدیل می‌کند. داستان‌های ما با تار و پود زندگی‌مان درهم تنیده‌اند.

استرنبرگ، حجت و بارنز (۲۰۰۱) ۱۰۵ دانشجوی دانشگاه ییل (۵۵ زن و ۵۰ مرد با میانگین سنی ۱۹ سال و تجربهٔ دست‌کم یک رابطهٔ صمیمانه در گذشته و یا حال) را مورد مطالعه قرار دادند. ابزارهای مورد استفاده شامل پرسشنامهٔ جمعیت‌شناختی و پرسشنامهٔ اصلی مقیاس قصهٔ عشق بود که قبلاً توسط استرنبرگ (۱۹۹۶) تدوین شده بود و در آن برای هر قصه ده سؤال گنجانده شده بود، آزمودنی‌ها از یک (حداکثر مخالفت) تا نه (حداکثر موافقت) به آن نمره می‌دادند، نمرهٔ پنج حد وسط بود. در بررسی روایی درونی آزمون این نتایج به دست آمد: پایایی و همبستگی درونی ۲۵ مقیاس (قصه‌ها) و زیر مقیاس‌های آن (نقش‌ها، نمره‌گذاری جداگانه داشته‌اند، در نتیجه، عنوان زیر مقیاس به آنها تعلق گرفته است) محاسبه شد. دامنهٔ پایایی برای ۲۵ مقیاس با میانگین ۰/۸۶ بین ۰/۶۸ (قصهٔ پلیس) و ۰/۹۳ (قصهٔ اعتیاد) به دست آمد. دامنهٔ پایایی ۴۱ مقیاس و زیر مقیاس با میانگین ۰/۸۳ بین ۰/۶۳ (نقش پلیس) و ۰/۹۳ (قصهٔ اعتیاد) به دست آمد. انجام تحلیل عوامل بر روی نمره‌های قصه‌ها هفت عامل به دست داد. عامل اول شامل قصه‌های وحشت، علمی - تخیلی، معما، تئاتر، جنگ و حکومت و مجموعه‌داری بود و قصه‌هایی به شمار می‌آمدند که کمتر مقبولیت اجتماعی داشتند، در آن نقش‌ها یکسان نبودند، به این معنی که نقش همسران از هم جدا و حالت مکملیت داشت تا مشابهت و یا سهم همسران در رابطه برابر نبوده و یکی بیش از دیگری تعیین‌کنندهٔ چگونگی رابطه بود. عامل دوم شامل قصه‌های بافندگی، سفر و باغ بود که قصه‌های اجتماع پسند محسوب می‌شدند، نقش‌های همسران در این قصه‌ها برابر بود و همسران با هم تشریک مساعی داشتند. عامل سوم از قصه‌های آشپزی، علم، بازی و تجارت تشکیل یافته بود و روابط در آنها سرد و قالبی بود. عامل چهارم شامل قصه‌های بهبودی، تاریخ و اعتیاد بود که در آنها تأکید قوی بر نقش گذشته بود و افراد نیاز داشتند تا از گذشتهٔ دردناک و ناشاد خود فرار کنند. عامل پنجم شامل قصه‌های خیال، هنر و مذهب بود که بر آرمانی‌سازی تأکید می‌شد. عامل ششم شامل قصه‌های طنز، پورنوگرافی، و هنر بود که بر تصورات بصری تأکید می‌شد و در آن یکی برای دیگری کاری را انجام می‌داد. عامل هفتم شامل قصه‌های پلیس و ایثار بود که در آن یکی مرئوس و دیگری رئیس بود.

در پژوهش دیگری، استرنبرگ، حجت و بارنز (۲۰۰۱) ۴۳ زوج دانشجوی دورهٔ کارشناسی با میانگین سنی ۲۰ سال را مورد مطالعه قرار دادند که رابطهٔ آنها حداقل یک سال دوام داشت. میانگین تعداد روابط صمیمانهٔ خود گزارشی آزمودنی‌ها ۳/۵۳ بود. آنان با بهره‌گیری از مقیاس قصهٔ عشق با ۲۰۰ ماده و مقیاس ۱۴ ماده‌ای محقق‌ساخته جهت سنجش رضایت زوجین از رابطهٔ صمیمانه (استرنبرگ و بارنز، ۱۹۹۵)، به این نتایج دست یافتند: دامنهٔ همسانی درونی ۳۳ زیرمقیاس [مجموع ۸ قصه با نقش‌های جداگانه (۱۶ نقش) و ۱۷ قصه بدون نقش مجزا، ۳۳ زیر مقیاس آزمون را تشکیل می‌داد] با میانگین ۰/۷۶ بین ۰/۴۲ (نقش چهرهٔ معمایی) و ۰/۹۳ (قصهٔ علمی - تخیلی) به دست آمد. قصه‌های زنان و مردان فقط در ۵ مورد تفاوت معنی‌دار داشت. نمره‌های مردان در قصه‌های هنر، پورنوگرافی، علمی - تخیلی و ایثار بالاتر از زنان بود و نمره زنان در قصهٔ سفر بالاتر بود. بین قصه‌های تجارت، مجموعه‌داری،

سطح رضایت زناشویی در کدام قصه‌ها است؟ آیا میان قصه‌های زنان و مردان تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟ کدام قصه‌ها در میان زنان رایجتر هستند؟ کدام قصه‌ها در میان مردان رایجتر هستند؟

روش

جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش- جامعه پژوهش شامل همه زوجین شهرستان تبریز بودند که حداقل شش سال سابقه زندگی مشترک داشته و یکی از فرزندان آنان در یکی از مدارس ابتدایی و پیش‌دبستانی در سال تحصیلی ۸۵-۸۴ مشغول به تحصیل بودند. لازم بود جهت تکمیل پرسشنامه‌ها، علاوه بر آنکه هر دو والد در دسترس پژوهشگر باشند، از حداقل سواد خواندن و نوشتن نیز برخوردار باشند. با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای والدین ۴۰۳ دانش‌آموز پایه اول و دوم دبستان و پیش‌دبستانی از مناطق مختلف آموزش و پرورش انتخاب شدند.

جدول ۲ - توصیف ویژگی‌های جمعیت‌شناختی ۴۰۳ زوج نمونه پژوهش

متغیر	سن مردان	سن زنان	مدت ازدواج	تعداد فرزندان	تحصیلات مردان	تحصیلات زنان
میانگین	۳۹/۱۱	۳۲/۳۳	۱۲/۲۸			
انحراف معیار	۵/۰۰	۴/۷۴	۴/۱۰			
میانۀ نما	۳۹	۳۲	۱۲	۲ فرزند	دیپلم	دیپلم
کوچکترین	۳۶	۲۳	۶	۱ فرزند	زیر متوسطه	زیر متوسطه
بزرگترین	۵۳	۴۶	۲۷	۵ فرزند	کارشناسی ارشد و بالاتر	کارشناسی ارشد و بالاتر
داده‌های معتبر	۳۹۳	۳۸۸	۳۹۸	۳۹۹	۳۹۳	۳۹۱

دو هفته‌ای از پایایی زمانی قابل قبولی برخوردار است. روایی این شاخص با پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ^۱ به روش روایی سازه - همبستگی همگرا - در یک نمونه ۳۸ زوجی برای مردان و زنان به ترتیب برابر با ۰/۶۷- و ۰/۷۲- ($p < 0.01$) است (علائی، ۱۳۸۴). پرسشنامه انریچ، یک ابزار خودسنجی رضایت زناشویی است که شامل ۱۴ خرده مقیاس است و در سه فرم مختلف ۱۱۵، ۱۲۵ و ۴۷ سوالی وجود دارد و بر خلاف شاخص هادسون، نمره های بالاتر پرسشنامه انریچ نشان دهنده رضایت بیشتر زوجین از روابطشان است (ثنایی، ۱۳۷۹). در این پژوهش، برای بررسی روایی شاخص رضایت زناشویی از فرم کوتاه ۴۷ سوالی استفاده شده که در پژوهش مهدویان (۱۳۷۶) پایایی آن به روش بازآزمایی برای گروه مردان ۰/۹۳، برای گروه زنان ۰/۹۴، و برای گروه مردان و زنان ۰/۹۴ به دست آمده است. در پژوهش سلیمانیان (۱۳۷۳) نیز، ضریب آلفای کرونباخ آن ۰/۹۵ به دست آمده است.

مقیاس قصه عشق - مقیاس قصه عشق آزمونی است که بر اساس نظریه «عشق به مثابه یک داستان» و برای سنجش و شناخت قصه عشق زوجین در دو فرم مردان و زنان و در نهایت، پیش‌بینی رضایت آنان از روابط صمیمانه‌اشان بر اساس تشابه نیمرخ عشق زوج تدوین شده است. هر فرم این مقیاس دربرگیرنده ۲۵ نوع قصه است و در هشت قصه نقش‌های مکمل وجود دارد که با احتساب نقش‌های مکمل هر فرم این مقیاس سی‌وسه قصه و نقش را می‌سجد. هر قصه شامل ۴ گویه

خواستار کمک مشاوره‌ای، محدودیت زمانی مراجعان و مشاوران، کار مشاوره را دشوار نموده و وسعت عمل را محدود می‌سازد. استفاده از ابزارهای خود سنجی، علاوه بر آنکه از لحاظ زمانی مقرون به صرفه است و طیف گسترده‌ای از مراجعان را از درمان مناسب برخوردار می‌نماید، مشاور را در دستیابی به شناخت صحیح و نسبتاً مکفی از مراجع یاری می‌رساند، به ویژه زمانی که آزمون مورد استفاده مبتنی بر ویژگی‌های همان جامعه‌ای باشد که مراجعین به مراکز مشاوره خانواده و ازدواج متعلق به آن هستند. بنابراین، پژوهش حاضر برای دست‌یابی به هدف عمده «ساخت و هنجاریابی مقیاس قصه عشق^۱ و تعیین رابطه آن با رضایت زناشویی همسران» بر پایه نظریه جدید «عشق به مثابه یک داستان» انجام گرفت. با توجه به محدودیت پیشینه پژوهشی، محقق به طرح سؤالات پژوهشی اکتفا نموده است: آیا مقیاس قصه عشق از روایی و پایایی قابل قبول برخوردار است؟ مقیاس قصه عشق از چه عواملی ساخته شده است؟ آیا قصه‌های همسران با هم همسان هستند؟ بیشترین

ابزار پژوهشی شامل مقیاس قصه عشق و شاخص رضایت زناشویی^۲ (هادسون ۱۹۹۲؛ ثنایی، ۱۳۷۹) بود که از طریق فرزندان برای والدین (از هر پرسشنامه دوسری و هر سری داخل پاکت مجزا و در کل، ۱۲۰۰ پاکت) ارسال شد. از ششصد مجموعه ارسالی دوتایی، پاسخ‌نامه ۴۰۳ زوج وارد پژوهش شد.

ابزار سنجش

شاخص رضایت زناشویی (هادسون ۱۹۹۲؛ ثنایی، ۱۳۷۹) یک ابزار ۲۵ سوالی خودسنجی است که برای اندازه‌گیری میزان، شدت و یا دامنه مشکلات زن یا شوهر در رابطه زناشویی تدوین شده است. نمره بالاتر در این مقیاسها نشان دهنده شدت و یا دامنه بیشتر مشکلات است. این شاخص دارای دو نقطه برش ۳۰ (نمره کمتر از ۳۰ نشانه عدم مشکلات بالینی قابل ملاحظه) و ۷۰ (نمره بیشتر از ۷۰ نشانه مشکلات زیاد و احتمال وجود خشونت) است (ثنایی، ۱۳۷۹). در مرحله مقدماتی پژوهش حاضر روایی^۳ و پایایی^۴ شاخص رضایت زناشویی با نمونه ۳۸ زوجی مورد بررسی قرار گرفت. پایایی شاخص به روش ضریب آلفای کرونباخ برای گروه ۳۸ زوجی مردان و زنان به ترتیب برابر با ۰/۸۸ و ۰/۹۱ است که نشان از همسانی درونی قابل قبول سوالها دارد و در گروهی متشکل از ۳۰ زوج (افت ۸ زوج در آزمون مجدد)، با ضریب همبستگی ۰/۷۰ و ۰/۸۷ ($p < 0.01$) به ترتیب برای مردان و زنان به روش بازآزمایی^۵

1-Love Story Scale

2-Index of Martial Satisfaction (IMS), Hadson

3-validity

4-reliability

5-test - retest

6-ENRICH

برای تهیه و ساخت مقیاس قصه عشق پژوهش در دو مرحله انجام گرفت:

مرحله مقدماتی: با مطالعه تمام منابع موجود و در دسترس در زمینه نظریه «عشق به مثابه یک داستان» و نیز بهره‌گیری از پرسشنامه مورد استفاده استرنبرگ (۲۰۰۱)، پرسشنامه‌ای با ۲۰۰ ماده تنظیم و برای بررسی روایی محتوایی آن به دو شیوه صوری^۱ و منطقی^۲ به ۴۰ دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره ارسال شد که در آن برای هر قصه هشت گویه و هر نقش چهار گویه منظور شده بود و قبل از هر مورد، توضیحی مختصر درباره آن قصه یا نقش آورده شده بود. تمامی گویه‌ها بجز دو مورد ۷۵٪ توافق کارشناسان را به دست آورد. با استفاده از روش کمترین میانگین، دو گویه از هر قصه و یک گویه از هر نقش حذف شد و تعداد گویه‌ها به ۱۵۰ مورد کاهش یافت. پایایی آزمون ۱۵۰ ماده‌ای ساخته شده به دو روش بازآزمایی (جهت بررسی پایایی زمانی آزمون) و روش ضریب آلفای کرونباخ (جهت برآورد همسانی درونی آزمون) بررسی شد. جدول ۳ مقادیر ضریب آلفای کرونباخ قصه‌ها و نقش‌ها را با استفاده از همبستگی هر سؤال با قصه یا نقش مربوطه قبل و بعد از حذف سؤال در یک نمونه ۳۸ زوجی نشان می‌دهد. همچنین، این جدول مقادیر ضریب همبستگی به روش بازآزمایی را برای گروه مردان و زنان در یک گروه ۳۰ زوجی به فاصله زمانی پانزده روز نشان می‌دهد.

است و در قصه‌های نقش‌دار، برای هر نقش ۲ گویه لحاظ شده است و در کل تعداد گویه‌های هر فرم به ۱۰۰ مورد می‌رسد که نظر پاسخگو را در هر مورد می‌پرسد و از آزمودنی می‌خواهد بر حسب درجه موافقت خود با آن گویه، براساس مقیاس لیکرت، از ۱ تا ۷ به آن نمره بدهد. نمره ۱ نشانه مخالفت کامل و نمره ۷ نشان‌دهنده موافقت کامل پاسخگو با آن گویه است، نمره ۴ گزینه وسط و به معنای نه موافق و نه مخالف است. پس از جمع نمره گویه‌های مربوط به هر قصه و نقش، در نهایت برای هر آزمودنی سی و سه نمره به دست می‌آید. در ترسیم نیمرخ^۱ عشق آزمودنی از میانگین نمره قصه‌ها و نقش‌ها استفاده می‌شود. قصه و یا قصه‌هایی که از برافراشتگی بالاتری برخوردارند، قصه و یا قصه‌های غالب فرد محسوب می‌شوند. برای مقایسه نیمرخ عشق زوجین، نمودار زن و مرد به همان شیوه فردی بر روی یک نمودار رسم می‌شود، با این تفاوت که در نمودار مربوط به زن، در مورد هشت قصه‌ای که نقش‌های مکمل دارند، نمره نقش‌های متقابل هر قصه باهم تعویض می‌شود. برای مثال، نمره حاکم زن زیر نمره رعیت مرد قرار می‌گیرد و نمره رعیت زن زیر نمره حاکم مرد جای می‌گیرد. فرض بر آنست که نقش‌ها مکمل هم هستند و زمانی زوجین از رابطه خود رضایت بیشتری خواهند داشت که نقش مرد و زن در یک قصه مکمل هم باشند. در مقایسه نیمرخ زوج، هر چه مجذور اختلاف نیمرخ‌های قصه عشق زوج (D^2) کمتر باشد به معنای آن است که قصه‌های عشق زوجین تشابه بیشتری باهم دارد.

جدول ۳ - ضریب آلفای کرونباخ و ضریب همبستگی بازآزمایی قصه‌ها و نقش‌ها

شاخص‌ها	مردان	زنان	مردان	زنان	تعداد سؤالات قبل از حذف	ضریب همبستگی	ضریب همبستگی	نام قصه
ایثار	۰/۵۸	۰/۴۸	۰/۷۴	۰/۷۳	۶	۰/۴۸	۰/۷۰	ضریب آلفای کرونباخ
حاکم (نقش)	۰/۳۸	۰/۶۹	۰/۲۴	۰/۶۰	۳	۰/۶۹	۰/۶۱	ضریب آلفای کرونباخ
رعیت (نقش)	۰/۲۷	۰/۶۳	۰/۷۶	۰/۴۷	۳	۰/۶۳	۰/۶۳	ضریب آلفای کرونباخ
پلیس (نقش)	۰/۸۰	۰/۸۲	۰/۷۰	۰/۶۱	۳	۰/۸۲	۰/۵۵	ضریب آلفای کرونباخ
مظنون (نقش)	۰/۷۴	۰/۶۳	۰/۵۸	۰/۴۹	۳	۰/۶۳	۰/۵۲	ضریب آلفای کرونباخ
مفعول (نقش)	۰/۸۴	۰/۷۵	۰/۷۲	۰/۶۸	۳	۰/۷۵	۰/۷۸	ضریب آلفای کرونباخ
فاعل (نقش)	۰/۵۵	۰/۵۸	۰/۶۵	۰/۵۹	۳	۰/۵۸	۰/۶۱	ضریب آلفای کرونباخ
وحشت افکن (نقش)	۰/۶۸	۰/۶۰	۰/۷۴	۰/۷۴	۳	۰/۶۰	۰/۸۸	ضریب آلفای کرونباخ
قربانی (نقش)	۰/۶۴	۰/۷۴	۰/۷۳	۰/۵۳	۳	۰/۷۴	۰/۵۴	ضریب آلفای کرونباخ
علمی - تخیلی	۰/۶۶	۰/۷۵	۰/۶۸	۰/۸۴	۶	۰/۷۵	۰/۹۰	ضریب آلفای کرونباخ
مجموعه داری	۰/۳۶	۰/۴۷	۰/۷۰	۰/۶۲	۶	۰/۴۷	۰/۷۷	ضریب آلفای کرونباخ
هنر	۰/۸۴	۰/۶۷	۰/۸۹	۰/۸۴	۶	۰/۶۷	۰/۸۳	ضریب آلفای کرونباخ
خانه و خانواده	۰/۸۸	۰/۷۵	۰/۶۴	۰/۷۳	۶	۰/۷۵	۰/۷۷	ضریب آلفای کرونباخ
درحال بهبودی (نقش)	۰/۷۴	۰/۷۰	۰/۷۱	۰/۷۵	۳	۰/۷۰	۰/۸۳	ضریب آلفای کرونباخ
هم اعتیاد (نقش)	۰/۵۱	۰/۴۹	۰/۴۷	۰/۵۷	۳	۰/۴۹	۰/۷۵	ضریب آلفای کرونباخ
مذهب	۰/۷۸	۰/۸۰	۰/۶۹	۰/۸۶	۶	۰/۸۰	۰/۸۸	ضریب آلفای کرونباخ

1-Profile

2-Content Validity

3-Face Validity

4-Logical Validity

بازی	۰/۵۸	۰/۷۳	۶	۰/۸۰	۰/۸۲	۴	۰/۸۰	۰/۷۹
سفر	۰/۱۹	۰/۶۷	۶	۰/۵۰	۰/۵۴	۴	۰/۶۶	۰/۵۲
بافندگی	۰/۶۶	۰/۴۷	۶	۰/۶۶	۰/۷۷	۴	۰/۶۶	۰/۷۵
باغ و باغچه	۰/۵۰	۰/۵۲	۶	۰/۴۵	۰/۸۰	۴	۰/۴۳	۰/۸۴
تجارت	۰/۷۶	۰/۵۸	۶	۰/۶۸	۰/۸۴	۴	۰/۶۹	۰/۸۵
اعتیاد	۰/۶۹	۰/۸۶	۶	۰/۸۸	۰/۸۷	۴	۰/۸۷	۰/۸۹
خیال	۰/۴۷	۰/۶۴	۶	۰/۴۷	۰/۷۸	۴	۰/۵۴	۰/۷۷
تاریخ	۰/۵۶	۰/۶۳	۶	۰/۴۱	۰/۶۵	۴	۰/۶۱	۰/۶۵
علم	۰/۶۴	۰/۶۵	۶	۰/۵۲	۰/۵۸	۴	۰/۷۱	۰/۶۴
آشپزی	۰/۷۰	۰/۷۲	۶	۰/۶۳	۰/۸۶	۴	۰/۶۹	۰/۸۸
جنگ	۰/۳۲	۰/۶۳	۶	۰/۷۴	۰/۸۸	۴	۰/۷۲	۰/۸۸
هنرپیشه (نقش)	۰/۵۶	۰/۵۷	۳	۰/۳۰	۰/۵۳	۲	۰/۴۴	۰/۶۰
هوادر (نقش)	۰/۵۱	۰/۸۲	۳	۰/۸۵	۰/۸۹	۲	۰/۸۵	۰/۸۵
تماشاچی (نقش)	۰/۵۱	۰/۵۲	۳	۰/۳۶	۰/۴۶	۲	۰/۵۲	۰/۶۱
کمدین (نقش)	۰/۵۶	۰/۸۳	۳	۰/۷۱	۰/۷۶	۲	۰/۷۱	۰/۷۳
چهره معمایی (نقش)	۰/۷۲	۰/۴۵	۳	۰/۴۹	۰/۶۸	۲	۰/۵۷	۰/۵۷
کارآگاه (نقش)	۰/۸۴	۰/۴۰	۳	۰/۸۲	۰/۴۱	۲	۰/۸۷	۰/۵۱

*P<۰.۰۵; **P<۰.۰۱

والدین دانش‌آموزان پیش‌دبستانی، اول و دوم دبستانی) شد.

نمونه‌ای از مواد مقیاس قصه عشق (LSS)

۱. معتقدم رکن اصلی یک ازدواج تشابهات مذهبی است (فرم زنان، قصه مذهب).
 ۲. زندگی بدون حضور همسرم برایم غیرقابل تصور است (فرم زنان، قصه اعتیاد).

۳. معتقدم ازدواج خوب مراحل دارد که برای رسیدن به آن، باید این مراحل را به ترتیب طی کرد (فرم زنان، قصه آشپزی).

۴. به نظر من مهمترین ملاک انتخاب همسر جذابیت جسمانی و زیبایی ظاهری است (فرم زنان، قصه هنر).

۵. معتقدم کسانی که ازدواج موفق دارند، به رابطه خود از بعد منطقی نگاه می‌کنند، نه از بعد عاطفی (فرم زنان، قصه علم).

۶. معتقدم با نگاه به اوضاع خانه یک زوج می‌توان به کیفیت رابطه آنها پی برد (فرم زنان، قصه خانه و خانواده).

۷. برایم مهم است که در زندگی مشترک، فرد تصمیم‌گیرنده، من باشم (مشترک در فرم مردان و زنان، قصه حکومت، نقش حاکم).

۸. اغلب برای برآوردن نیازهای همسرم از آسایش خودم دست می‌کشم (فرم مردان، قصه ایثار).

۹. به نظر من در عمل دعوا بهتر از گفتگوی آرام نتیجه می‌دهد (فرم مردان، قصه جنگ).

۱۰. قبول دارم که بیشتر اوقات برای دوری از مشکلات موجود در زندگی ام، به شوخی و خنده رو می‌آورم (فرم مردان، قصه طنز، نقش کمدین).

۱۱. به نظر من مراسم سالگرد ازدواج بسیار مهم است، زیرا زوجین را به یاد گذشته مشترکشان می‌اندازد (فرم مردان، قصه تاریخ).

۱۲. به نظر من بهترین راه‌حل اختلافات زناشویی استفاده از عقل و منطق است (فرم مردان، قصه علم).

۱۳. به نظر من دو فردی که خواهان ازدواج با هم هستند، اول باید مسائل مالی آن را در نظر بگیرند (فرم مردان، قصه تجارت).

با توجه به تأثیر پذیری قصه‌ها از فرهنگ و این که زنان و مردان از مسائل اجتماعی - فرهنگی به طور یکسان تأثیر نمی‌پذیرند (استرنبرگ، ۱۹۹۴، ۱۹۹۶، ۲۰۰۱)، روایی پاسخننامه‌های دو گروه به طور جداگانه بررسی شد. در مورد گروه مردان ۲۹ ضریب همبستگی معنی‌دار بود. از این تعداد، بیشترین مقدار ضریب متعلق به قصه خانه و خانواده ($r=0/88$)، و کمترین مقدار مربوط به نقش حاکم ($r=0/38$) بود. چهار قصه مجموعه‌داری، رعیت، سفر و جنگ در سطح $0/05$ معنی‌دار نبود. میانگین ۳۳ ضریب همبستگی به دست آمده برای گروه مردان برابر با $0/61$ بود. در مورد گروه زنان تمام ضرایب همبستگی در سطح $0/01$ و $0/05$ معنی‌دار بود. بیشترین و کمترین ضریب به ترتیب مربوط به قصه اعتیاد ($r=0/86$) و نقش کارآگاه ($r=0/40$) بود. میانگین کلی برای این گروه برابر با $0/64$ به دست آمد. همچنین ضریب کلی آزمون برای تمامی قصه‌ها و نقش‌ها به روش بازآزمایی برای گروه مردان و زنان به ترتیب برابر با $r=0/992$ و $r=0/997$ ($p<0/001$) به دست آمد که نشان از پایایی زمانی عالی آزمون دارد. در بررسی همسانی درونی سوالات آزمون از روش ضریب آلفای کرونباخ (همبستگی هر سؤال با قصه یا نقش مربوطه) استفاده شد. در این مرحله، علاوه بر بررسی همسانی درونی سوالات، از مقدار ضریب آلفای کرونباخ و همبستگی هر سؤال با قصه یا نقش مربوطه برای کاهش تعداد گویه‌ها استفاده شد. به این ترتیب از هر قصه، دو گویه و از هر نقش، یک گویه حذف شد. پس از حذف گویه‌های اضافی، کمترین مقدار ضریب آلفای کرونباخ برای گروه مردان و زنان مربوط به قصه باغ و باغچه ($a=0/43$) و نقش کارآگاه ($a=0/51$) بود و بیشترین مقدار آن برای گروه مردان و زنان به ترتیب مربوط به قصه هنر ($a=0/88$) و قصه علمی - تخیلی ($a=0/90$) به دست آمد. در پایان مرحله مقدماتی، پرسشنامه مقیاس قصه عشق با ۱۰۰ گویه برای زنان و مردان در دو فرم جداگانه که در ۷۸ سؤال مشترک بودند، تهیه و آماده اجرا بر روی نمونه ۴۰۳ زوجی (۸۰۶ فرد،

یافته ها

در مرحله نهایی، مقیاس قصه عشق و شاخص رضایت زناشویی (هادسون، ۱۹۹۲) به طور همزمان بر روی ۴۰۳ زوج اجرا شد. مشخصات آماری نمره های گروه زنان در شاخص هادسون برابر با $M=19/60$ ، $SD=16/10$ و برای گروه مردان برابر با $M=17/93$ ، $SD=15/45$ ، و در گروه مردان و زنان $M=37/53$ ، $SD=28/64$ به دست آمد. میانگین نمره های دو گروه در قصه های مختلف مقیاس قصه عشق در جدول ۵ آمده است. از سه روش روایی محتوایی، ملاکی^۱ و سازه^۲ برای بررسی روایی مقیاس قصه عشق استفاده شد. در روش روایی ملاکی با توجه به فرض اصلی نظریه که می گوید زوجین با نیمرخ مشابه قصه عشق، رضایت زناشویی بیشتری را تجربه می کنند، همبستگی بین مجموع مجذور تفاضل نمره های همسران در قصه های متناظر (d^2)، متغیر پیش بینی) و مجموع نمره های همسران در شاخص رضایت زناشویی هادسون (متغیر ملاک) محاسبه شد. ضریب همبستگی به دست آمده برابر با $r=0/33$ در سطح معنی داری $a < 0/001$ به دست آمد که نشان می دهد با کاهش تشابه نیمرخ زوج مشکلات همسران بیشتر شده و شدت می یابد. برای محاسبه روایی سازه مقیاس از دو شیوه تفاوت های گروهی^۳ و تحلیل عاملی اکتشافی^۴ استفاده شد. در شیوه تفاوت های گروهی با استفاده از نقطه برش ۳۰ در شاخص هادسون، همسران به دو گروه راضی (مجموع نمره های زوجی کمتر از ۳۰) و ناراضی (مجموع نمره های زوجی بالاتر از ۳۰) تقسیم شدند. نتایج آزمون t گروه های مستقل با مقدار ($t_{p.} = 6/68, P < 0/001$) تفاوت معنی داری را بین گروه راضی و ناراضی نشان داد. همچنین، در شیوه تحلیل عاملی، با توجه به همبستگی بین نقش ها و قصه ها و همسانی درونی خوب سوالات هر قصه و نقش و کل مقیاس، و نیز مقدار $KMO=0/835$ ، و معنی داری آزمون کرویت بارلت^۵ ($0/000$)، سی و سه نقش و قصه مقیاس برای

دستیابی به گروه های عاملی کمتر و قابل تفسیر روش تحلیل عاملی اکتشافی، رویکرد تحلیل مولفه اصلی (جزء به جزء)^۶ انجام گرفت. نتایج تحلیل عاملی نمره های ۸۰۶ فرد (۴۰۳ زوج) به شرح زیر است:

الف - واریانس کل و اشتراک قصه ها و نقش ها در کل آزمون محاسبه شد، بیشترین و کمترین میزان اشتراک با قصه های دیگر به ترتیب مربوط به نقش کارآگاه (۰/۶۸) و نقش مظنون (۰/۳۵) بود که نشان از همپوشی اجزای آزمون دارد.

ب - در نتیجه تحلیل مقدماتی ۳۳ قصه و نقش، نه ارزش ویژه^۷ بیش از یک به دست آمد که در مجموع ۵۵/۶۳٪ تفاوت های فردی را تعیین می کند. همبستگی بین تمامی قصه ها و نقش ها نشان دهنده آن است که همه آنها موضوع واحد یعنی قصه های مختلف عشق را می سنجد.

ج - نه عامل به دست آمده به شیوه چرخش واریماکس^۷، ۱۰ بار چرخش داده شد، ولی نتایج معنی دار و قابل تفسیر به دست نیامد. بنابراین، برای دستیابی به عامل های کمتر، ساده تر و قابل تفسیر و نیز کاهش بارهای عاملی منفی به زیر ۰/۳ و حذف گروه های مشترک و متضاد، تعداد عامل ها کاسته شد و در نهایت با تعداد ۵ گروه عاملی در هشت بار چرخش، نتیجه مطلوب و قابل تفسیر به دست آمد، (جدول ۴).

د - برای تلخیص گروه های عاملی، تمامی بارهای عاملی غیر معنی دار (کمتر از ۰/۳) حذف شدند. همچنین، برای تعیین گروه قصه هایی که در دو گروه بار عاملی معنی دار داشتند (نقش های مفعول، هنرپیشه، کم دین و چهره معمای، و قصه های خانه، بافندگی، باغ، آشپزی و جنگ) از مقدار بار عاملی و همبستگی آن با سایر قصه های هر گروه استفاده شد. به این ترتیب که بار عاملی آن در هر گروه که بیشتر بود در آن گروه جای می گرفت. در مورد قصه خانه و خانواده (بار عاملی یکسان در هر دو گروه) با توجه به همبستگی مثبت معنی دار با تمام قصه های گروه عاملی یک در آن گروه جای گرفت.

جدول ۴ - نتایج تحلیل اکتشافی مقیاس قصه عشق

<p>گروه عاملی ۱: قصه های جامعه پسند</p> <p>- میانگین گروهی بالاتر از سایر گروه ها</p> <p>- همبستگی مثبت و معنی دار همه اجزاء با همدیگر ($0/1$ و $P < 0/05$)</p> <p>- همبستگی منفی و معنی دار همه آنها با مقیاس هادسون (رابطه مستقیم با رضایت زناشویی)، بجز قصه خانه ($r=0/30$، $t=165$، $P < 0/001$)</p> <p>- روابط همراه با تشریک مساعی همسران و برخورداری از مقبولیت اجتماعی</p>	<p>زیر گروه عاملی اول از گروه ۱</p> <p>- شامل قصه های ایثار، سفر، باغ و باغچه، اعتیاد، خیال، تاریخ، مظنون</p> <p>- وجود مشارکت و توجه برابر، بجز ایثار و مظنون</p> <p>- تعیین و تعریف کیفیت و چارچوب روابط توسط همسران</p>
<p>گروه عاملی ۲: قصه های سلطه جویی</p> <p>- میانگین گروهی پائین تر از سایر گروه ها</p> <p>- همبستگی مثبت و معنی دار همه اجزاء با همدیگر ($0/1$ و $P < 0/05$)</p> <p>- همبستگی مثبت و معنی دار همه آنها با مقیاس هادسون (رابطه معکوس با رضایت زناشویی)، بجز نقش هم اعتیاد ($r=0/63$، $t=1075$، $P < 0/001$)</p> <p>- محوریت سلطه، قدرت، کنترل و بهره کشی از شریک و رابطه، نابرابری نقش ها و برخورداری کمتر از مقبولیت اجتماعی</p>	<p>زیر گروه عاملی دوم از گروه ۱</p> <p>- شامل قصه های خانه و خانواده، مذهب، علم، آشپزی</p> <p>- وجود مشارکت و توجه برابر همسران به رابطه، در قیاس با گروه اول انعطاف کمتری دارند</p> <p>- استفاده زوج از شرایط و اصول از پیش تعیین شده بیرونی برای پیشبرد رابطه و تعیین چارچوب آن، کمتر بودن پویایی روابط</p>

- 1-criterion validity
- 2-construct validity
- 3-differences between grope
- 4-exploratory factorial analysis

- 5-Bartlett
- 6-principle component analysis (PC)
- 7-varimax rotation

زیر گروه عاملی اول از گروه ۲
- شامل قصه‌های پلیس، علمی-تخیلی، درحال بهبودی، هم‌اعتیاد، تجارت، هنرپیشه
- رابطه براساس بهره‌برداری از رابطه و شریک
- سوء استفاده از شریک، بجز قصه تجارت که روابط سرد و قالبی است

زیر گروه عاملی دوم از گروه ۲
- شامل قصه‌های حاکم، وحشت‌افکن، مجموعه‌داری، چهره معمای
- برجستگی قدرت و تسلط بر شریک
- شخص می‌خواهد شریکش همه انتظارات او را برآورده سازد

گروه عاملی ۳: قصه‌های لذت جویی
- شامل قصه‌های مفعول، فاعل، هنر
- همبستگی مثبت و معنی‌دار همه اجزاء با همدیگر ($P < 0/01$)
- اهمیت لذت جسمی یا جنسی، تاکید بر تصورات بصری و تبدیل شخص به شیء

گروه عاملی ۴: قصه‌های سرگرمی
- شامل قصه‌های بازی، بافندگی، هوادار، تماشاچی
- همبستگی مثبت و معنی‌دار همه اجزاء با همدیگر ($P < 0/01$)
- روابط سطحی، دید سرگرمی و تفریحی به رابطه، فاصله عاطفی بین همسران

گروه عاملی ۵:
قصه‌های سلطه‌پذیری
- شامل قصه‌های رعیت، قربانی، جنگ، کم‌دین، کارآگاه
- همبستگی مثبت و معنی‌دار همه اجزاء با همدیگر ($P < 0/05$ و $0/01$)
- نابرابری نقش‌ها، محوریت تبعیت، تسلیم و قدرت (مکمل گروه ۲)

و معنی‌دار با شاخص هادسون (رابطه مستقیم با رضایت زناشویی) وجود دارد. قصه علمی - تخیلی بزرگترین ضریب و بهترین پیش‌بینی‌کننده رضایت زناشویی است ($r = 0/45$ و $p < 0/01$) و قصه بافندگی بیشترین رابطه مثبت با رضایت زناشویی را دارد ($r = -0/36$ و $p < 0/01$) در گروه مردان، ۱۱ مورد همبستگی مثبت و معنی‌دار با شاخص هادسون (رابطه معکوس با رضایت زناشویی) و ۱۱ مورد همبستگی منفی و معنی‌دار با شاخص هادسون (رابطه مستقیم با رضایت زناشویی) وجود دارد. قصه مجموعه‌داری بزرگترین ضریب و بهترین پیش‌بینی‌کننده رضایت زناشویی است ($r = 0/50$ و $p < 0/01$) و قصه اعتیاد بیشترین رابطه مثبت

با رضایت زناشویی را دارد ($r = -0/46$ و $p < 0/01$)

نتایج آزمون t گروه‌های وابسته بین میانگین ۲۴ مورد از قصه‌ها و نقش‌ها تفاوت معنی‌داری بین مردان و زنان نشان داد (جدول ۵). در قصه‌های علمی - تخیلی، پلیس (نقش)، درحال بهبودی (نقش)، هم‌اعتیاد (نقش)، بازی، بافندگی، باغ و باغچه، اعتیاد، تاریخ، علم، آشپزی، هنرپیشه (نقش)، هوادار (نقش)، تماشاچی (نقش) تفاوت میانگین به نفع گروه زنان بیشتر است. در قصه‌های ایثار، حاکم (نقش)، مظلون (نقش)، مفعول (نقش)، هنر، خانه و خانواده، سفر، جنگ، کم‌دین (نقش)، کارآگاه (نقش) گروه مردان نسبت به گروه زنان میانگین بیشتری دارند.

در بررسی پایایی مقیاس ساخته شده، از روش بازآزمایی و روش ضریب آلفای کرونباخ از طریق همبستگی هر سؤال با قصه و نقش مربوطه و نیز از طریق همبستگی میان سؤال‌های هر قصه و نقش استفاده شد، (جدول ۵). میانگین این ضریب برای گروه مردان و زنان به ترتیب برابر با $0/89$ و $0/90$ بود. کمترین و بیشترین مقدار آن برای گروه مردان متعلق به نقش چهره معمای ($0/83$) و قصه اعتیاد ($0/95$)؛ و در گروه زنان مربوط به قصه‌های خانه و خانواده و علم ($0/85$) و نقش مفعول ($0/96$) بود. همچنین، ضریب آلفای کلی مقیاس برای مردان برابر با $0/93$ و زنان برابر با $0/96$ به دست آمد.

در بررسی همسانی قصه‌های مردان و زنان از آزمون t گروه‌های وابسته استفاده شد. بنا به پیش‌بینی نظریه (استرنبرگ، ۱۹۹۴)، نباید بین نیمرخ قصه‌های مردان و زنان تفاوت معنی‌داری وجود داشته باشد. مقدار ($t_{33} = 10,73$, $p < 0,29$) تفاوت معنی‌داری را بین نیمرخ مردان و زنان نشان نداد (هر نیمرخ شامل نمره های ۳۳ قصه و نقش است). از طرفی همبستگی بین نیمرخ دو گروه ($r = 0/98$, $p < 0/01$) حاکی از آنست که بر اساس فرض نظریه (استرنبرگ، ۱۹۹۴)، افراد تمایل دارند با کسانی رابطه داشته باشند که نیمرخ عشق آنها مشابه آنان باشد.

نتایج بررسی رابطه بین قصه‌ها و رضایت زناشویی در جدول ۵ نشان داده شده است. در گروه زنان، ۱۰ مورد همبستگی مثبت و معنی‌دار با شاخص هادسون (رابطه معکوس با رضایت زناشویی) و ۹ مورد همبستگی منفی

جدول ۵ - همبستگی بین سوالات، نتایج آزمون همبستگی قصه‌ها و رضایت زناشویی و آزمون t گروه‌های وابسته (df=۴۰۲)

قصه یا نقش	ضریب همبستگی میان سوالات		همبستگی بین قصه‌ها و رضایت زناشویی		مقایسه میانگین قصه‌های دو گروه مقدار t, df=۴۰۲	میانگین	
	مردان	زنان	مردان	زنان		مردان	زنان
ایثار	۰/۹۱	۰/۸۷	۰/۲۹ **	۰/۱۳ *	۴/۹۶ **	۶	۵/۷۵
حاکم	۰/۹۲	۰/۹۰	۰/۳۷ **	۰/۱۶ **	۲/۵۹ *	۲/۸۸	۲/۶۵
رعیت	۰/۸۵	۰/۹۱	۰/۰۳	۰/۲۷ **	-۱/۴۴	۲/۹۵	۳/۰۸
پلیس	۰/۹۰	۰/۹۲	۰/۱۵ **	۰/۱۹ **	-۲/۲۱ *	۳/۳۵	۳/۵۴
مظنون	۰/۸۸	۰/۸۸	۰/۰۳	۰/۰۲	۲/۶۴ **	۴/۱۱	۳/۸۸
مفعول	۰/۹۴	۰/۹۶	۰/۰۳	۰/۰۱	۵/۱۷ **	۳/۱۲	۲/۶۲
فاعل	۰/۹۳	۰/۸۹	۰/۱۵ **	۰/۱۷ **	-۱/۸۰	۲/۷۵	۲/۹۰
وحشت افکن	۰/۹۳	۰/۸۹	۰/۲۳ **	۰/۱۳ **	-۱/۱۷	۱/۸۷	۱/۹۵
قربانی	۰/۸۷	۰/۹۰	۰/۱۰ *	۰/۰۳	۱/۴۵	۱/۶۹	۱/۶۰
علمی - تخیلی	۰/۹۳	۰/۹۴	۰/۴۹ **	۰/۴۵ **	-۵/۰۹ **	۲/۸۹	۳/۲۶
مجموعه دار	۰/۸۹	۰/۸۸	۰/۵۰ **	۰/۲۱ **	-۱/۱۳	۱/۹۱	۱/۹۷
هنر	۰/۹۰	۰/۹۰	۰/۰۵ *	۰/۰۹ **	۱۱/۴۴ **	۳/۸۴	۳/۰۴
خانه و خانواده	۰/۸۸	۰/۸۵	۰/۰۶ *	۰/۰۰	۲/۴۸ *	۴/۳۲	۴/۱۶
درحال بهبودی	۰/۹۴	۰/۹۴	۰/۰۹ *	۰/۲۹ **	-۳/۶۰ **	۳/۷۸	۴/۱۵
هم اعتیاد	۰/۹۱	۰/۹۲	۰/۰۸ *	۰/۰۴	-۲/۳۲ *	۳/۶۶	۳/۸۶
مذهب	۰/۹۲	۰/۹۱	۰/۲۵ **	۰/۰۶	-۰/۳۷	۵/۵۷	۵/۵۹
بازی	۰/۹۱	۰/۹۱	۰/۲۱ **	۰/۰۸	-۱۲/۹۰ **	۲/۴۷	۳/۴۱
سفر	۰/۸۵	۰/۸۷	۰/۲۴ **	۰/۱۳ **	۵/۴۲ **	۵/۶۴	۵/۳۸
بافندگی	۰/۸۶	۰/۸۹	۰/۲۱ **	۰/۳۶ **	-۳/۶۱ **	۴/۱۷	۴/۴
باغ و باغچه	۰/۸۹	۰/۸۹	۰/۱۷ **	۰/۲۴ **	-۱۰/۳۵ **	۵/۷۳	۶/۱۶
تجارت	۰/۸۹	۰/۹۰	۰/۱۹ **	۰/۰۵	۱/۰۶	۳/۴۱	۳/۳۴
اعتیاد	۰/۹۵	۰/۹۲	۰/۴۶ **	۰/۳۱ **	-۷/۲۳ **	۴/۹۶	۵/۵۱
خیال	۰/۸۹	۰/۸۸	۰/۲۴ **	۰/۱۵ **	-۰/۵۲	۴/۰۶	۴/۰۳
تاریخ	۰/۸۹	۰/۹۱	۰/۲۵ **	۰/۲۷ **	-۵/۳۱ **	۵/۱۱	۵/۴۲
علم	۰/۸۴	۰/۸۵	۰/۰۹	۰/۰۵	-۲/۳۹ *	۵/۲۷	۵/۴۰
آشپزی	۰/۸۷	۰/۸۸	۰/۱۲ *	۰/۲۱ **	-۸/۷۳ **	۴/۸۷	۵/۴۲
جنگ	۰/۸۴	۰/۸۶	۰/۱۲ *	۰/۲۰ **	۲/۸۵ **	۲/۵۵	۲/۴۰
هنرپیشه	۰/۹۱	۰/۹۲	۰/۲۳ **	۰/۲۶ **	-۵/۸۰ **	۲/۸۱	۳/۳۸
هوادار	۰/۸۹	۰/۹۴	۰/۰۵	۰/۰۱	-۳/۸۸ **	۳/۵۹	۳/۹۵
تماشاچی	۰/۸۶	۰/۸۹	۰/۰۶	۰/۰۶	-۵/۹۸ **	۳/۰۱	۳/۵۱
کمدین	۰/۹۱	۰/۹۰	۰/۲۱ **	۰/۰۱	۱۱/۴۵ **	۴/۹۳	۳/۹۳
چهره معمایی	۰/۸۳	۰/۸۸	۰/۳۷ **	۰/۲۱ **	۱/۳۲	۲/۰۶	۱/۹۹
کارآگاه	۰/۸۶	۰/۹۰	۰/۰۷	۰/۰۶	۳/۳۸ **	۲/۴۵	۲/۲۴

*p<0.05; **<0.01

انجام تحلیل واریانس یک طرفه در هر دو گروه مردان و زنان تفاوت معنی‌داری را بین سی و سه میانگین نشان داد (جدول ۶). اولویت‌های اول تا سوم بر اساس مقادیر میانگین‌ها به ترتیب برای گروه زنان عبارتند از قصه‌های باغ و باغچه، ایثار و مذهب؛ و برای گروه مردان عبارتند از ایثار، باغ و باغچه، و سفر.

جدول ۶ - نتایج تحلیل واریانس یک طرفه برای مقایسه نمره‌های مردان و زنان در قصه‌ها و نقش‌ها

مجموع مجزورات	درجات آزادی	میانگین مجزورات	مقدار F	سطح معنی‌داری
بین گروهی	۳۲	۱۹۴۴۸/۹۵	۱۵۳/۰۱	۰/۰۰۰
گروه زنان				
درون گروهی	۱۳۲۶۶	۱۲/۷۱		
واریانس کل	۱۳۲۹۸			
بین گروهی	۳۲	۱۸۳۰۲/۲	۱۴۴۰/۴۸	۰/۰۰۰
گروه مردان				
درون گروهی	۱۳۲۶۶	۱۲/۷۱		
واریانس کل	۱۳۲۹۸			

استرنبرگ، حجت و بارنز (۲۰۰۱) رابطه مثبت معنی‌داری را بین رضایت زناشویی و هیچ‌یک از قصه‌ها نشان ندادند. در مورد ۲۴ قصه تفاوت‌های جنسی خود را به وضوح نشان می‌دهد. همچنین، در درون هر گروه بین میانگین قصه‌ها و نقش‌ها تفاوت معنی‌داری دیده می‌شود، به این معنی که از نظر مردان و زنان، قصه‌ها دارای اهمیت یکسانی نیستند؛ ولی قصه‌های گروه جامعه‌پسند اولویت‌های اول هر دو گروه بشمار می‌آیند که با تعریف قصه‌ها هماهنگ است. وجود تفاوت در نتیجه تفاوت‌های جنسی در مورد قصه‌ها و نیز اولویت‌بندی آنها از دید زنان و مردان با پژوهش‌های قبلی (استرنبرگ و لینچ ۱۹۹۵؛ استرنبرگ و حجت، ۱۹۹۶، به نقل از بهرامی، ۱۳۸۲؛ استرنبرگ، حجت و بارنز ۲۰۰۱) و با در نظر گرفتن تفاوت‌های فرهنگی جامعه پژوهشی و تاثیرپذیری قصه‌ها از فرهنگ و البته محدودیت‌های پژوهشی، قابل توجه و در عین حال قابل تفسیر بوده و پژوهش‌های بیشتری را با رفع محدودیت‌های پژوهش فعلی می‌طلبد.

این مطالعه نقاط ضعف خود را دارد: اول تعداد کم نمونه پژوهشی با توجه به تنوع قصه‌ها و در نتیجه عدم امکان طبقه‌بندی گروه‌ها و نیز محدود شدن آن به زوجین شهر تبریز با طول مدت ازدواج حداقل شش سال و داشتن حداقل یک کودک دبستانی و پیش‌دبستانی؛ دوم، پاسخگویی افراد به آزمون قصه عشق بر اساس مقیاس لیبرت، در نتیجه امکان دارد پاسخ‌های آزمودنی‌ها بیشتر نشانگر نگرش آنان به قصه‌ها باشد تا این که واقعا خود قصه‌ها را داشته باشند؛ سوم، محدودیت زمانی و در نتیجه اجرای همزمان مقیاس قصه عشق و شاخص هادسون، در حالی که هدف نهایی از ساخت مقیاس قصه عشق، پیش‌بینی رضایت زناشویی زوج بر اساس تشابه نیمرخ آنها پیش از ازدواج است؛ چهارم، تعداد کم گویه‌های هر قصه، بویژه در مورد نقش‌ها که برای هر یک فقط دو گویه در نظر گرفته شده است؛ پنجم و شاید مهمترین مورد، محدود ساختن نوع قصه‌های مقیاس قصه عشق به قصه‌های توصیف شده نظریه‌پرداز آن بدون در نظر گرفتن امکان وجود قصه‌های متفاوت در فرهنگ خاص آزمودنی‌ها.

با در نظر گرفتن محدودیت‌های مقیاس قصه عشق، می‌توان آن را در مراکز مشاوره خانواده و ازدواج جهت مشاوره زوج و ازدواج و حتی خودشناسی مراجعان در زمینه روایت‌های زندگی بویژه قصه‌های عشق بکار برد. همچنین، از آنجا که نتیجه این مطالعه نیز، مفروضه‌های این نظریه را تأیید می‌کند، به مشاوران و روانشناسان پیشنهاد می‌شود با در

بررسی و تفسیر نتایج

در این مطالعه، مقیاس قصه عشق بر اساس نظریه جدید "عشق به مثابه یک داستان" به منظور سنجش قصه عشق فرد و یا زوج و نیز مقایسه نیمرخ عشق زوجین جهت پیش‌بینی رضایت زناشویی ساخته شد. روایی و پایایی این مقیاس به روش‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفت. همان طور که نتایج روایی ملاکی نشان می‌دهد، مطابق با پیش‌بینی نظریه و پژوهش‌های پیشین (استرنبرگ و حجت ۱۹۹۶، به نقل از بهرامی ۱۳۸۲؛ استرنبرگ، حجت و بارنز ۲۰۰۱)، هرچه تشابه نیمرخ عشق زوجین کمتر باشد، رضایت زناشویی آنان کمتر شده و مشکلات زناشویی و شدت آن افزایش می‌یابد. بطور کلی، می‌توان گفت که اگرچه داشتن داستان‌های مشابه یا مشترک زوجین، رضایت آنها را تضمین نمی‌کند، ولی تشابه پائین در نیمرخ عشق با عدم رضایت زناشویی همراه است. همچنین، نتایج تحقیق نشان می‌دهد که تفاوت معنی‌داری میان نیمرخ عشق زوج (شامل نمره‌های ۳۳ قصه و نقش برای هر فرد زوج) وجود ندارد و همبستگی میان نیمرخ عشق زوج خیلی بالا است. مطابق با فرض نظریه و نتایج تحقیقات انجام شده قبلی (استرنبرگ، حجت و بارنز ۲۰۰۱) در مورد همسانی نیمرخ عشق زوج، افراد مایل به برقراری و ادامه رابطه با کسانی را دارند که داستان عشقی مشابه یا یکسانی با آنان داشته باشند. نتیجه بررسی رابطه بین نوع قصه‌ها و رضایت زناشویی نشان می‌دهد که قصه‌های ایثار، سفر، بافندگی، باغ و باغچه، اعتیاد، خیال، تاریخ و آشپزی هم در گروه مردان و هم در گروه زنان رابطه مثبت با رضایت زناشویی دارد، در حالی که این رابطه در قصه‌های حاکم، پلیس، فاعل، وحشت‌افکن، علمی - تخیلی، مجموعه‌داری، جنگ، هنرپیشه و چهره معمایی برای هر دو گروه منفی است. اگرچه ممکن است این قصه‌ها به تنهایی با رضایت زناشویی رابطه منفی داشته باشند، ولی زمانی که زوج هر دو همین قصه‌ها را دارند، به دلیل تشابه قصه‌هایشان، از روابط خود راضی بوده و آن را ادامه خواهند داد. برای مثال، حتی اگر هر دوی آنها قصه پر تنش و پر نبرد قصه جنگ را داشته باشد که از دید دیگران ادامه این رابطه تقریباً غیرممکن است، زوج با رضایت به رابطه خود ادامه خواهند داد. به دلیل تفاوت‌های فرهنگی که خود نظریه‌پرداز (استرنبرگ، ۱۹۹۴، ۱۹۹۶، ۲۰۰۱) نیز، تاثیر آن را بر قصه‌ها اذعان می‌دارد و تفاوت در نمونه‌های پژوهشی، بین نتیجه رابطه مثبت رضایت و قصه‌ها در این مطالعه و پژوهش‌های قبلی ناهمسوئی دیده می‌شود، نتایج پژوهش‌های

- Ellis, A. (1973). Rational – Emotive Therapy. In Current Psychotherapies, Corsini RJ (ed.). New York, Peacock: Itheca.
- Hatfield, E., & Walster, G. W. (1978). A new look at love. Reading, MA: Addison-Wesley.
- Kereckhoff, AC, & Davis, KE. (1962). Value consensus and need complementarily in mate selection. *American Sociological Review*. 27: 295-303.
- Lasswell, M. E. & Lasswell. T.E. (1991). Marriage and the family. 3th (Ed). California: Wadsworth.
- Lee, J. A. (1973). The color of love: And exploration of the ways of loving. Don Mills, Ontario: New Press.
- Lee, J. A. (1977). A typology of styles of loving. *Personality And social Psychology Bulletin*. 3: 173-182
- Rubin, Z. (1973). Liking and loving: An invitation to social psychology. New York: Holt, Rinehart, and Winston.
- Shaver, P., Hazan, C., & Bradshaw, D. (1988). Love as attachment: The integration of three behavioral systems. In *The psychology of love*, R.J. Sternberg & M.L. Barnes (Eds.) New Haven, CT: Yale University Press.
- Sternberg, R. J., Hojjat, M., & Barnes, M. (2001). Empirical tests of aspects of a theory of love as a story. *European Journal of Personality*. 15: 199 -218.
- Sternberg, R. J. (1986). A triangular theory of love. *Psychological Review*. 93: 119-135.
- Sternberg, R. J. (1994). A triangular theory of love. *The Genral Psychologist*. 30:59-79.
- Sternberg, R.J. (1996). Construct validation of a triangular love scale. *European Journal of Social Psychology*. Volume 27, Issue 3: 313 – 335.
- نظر گرفتن تحقیق عابدی (۱۳۸۳) از این نظریه در جریان مشاوره استفاده به عمل آورند، همچنین راه برای پژوهشگران علاقمند به پژوهش در این زمینه باز است تا به آزمون مجدد فرض‌های نظریه در گروه‌های مختلف و رفع محدودیت‌های فعلی مقیاس ساخته شده بپردازند.
- ### مراجع
- استرنبرگ، رابرت جی. (۱۳۸۲). قصه عشق، نگاهی تازه به روابط مرد و زن. ترجمه علی اصغر بهرامی، ۱۳۸۲. چاپ اول. تهران: جوانه رشد.
- ثنایی ذاکر، باقر. (۱۳۷۹). مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج. چاپ اول. تهران: بعثت.
- عابدی، محمد رضا. (۱۳۸۳). مشاوره با عشاق. دومین سمینار بهداشت روانی دانشجویان، مجموعه مقالات. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- علائی، پروانه. (۱۳۸۴). ساخت و هنجاریابی مقیاس قصه عشق و بررسی رابطه آن با رضایت زناشویی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده. به راهنمایی دکتر ابوالفضل کرمی. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.
- مهدویان، فاطمه. (۱۳۷۶). بررسی تاثیر آموزش ارتباط بر رضامندی زناشویی و سلامت روانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده. به راهنمایی دکتر باقر ثنایی. تهران: انستیتو روانپزشکی تهران.
- Aron, A. & Aron, E. N. (1986). Love and the expansion of self: Understanding attraction and satisfaction. New York: Hemisphere Publish Corporation.
- Beck, AT. (1976). Cognitive Therapy and the Emotional Disorders. New York: International Universities Press.
- Byrne, D. (1971). The Attraction Paradigm. New York: Academic.
- Cassidy, J., & Shaver, P. R. . (1999). Handbook of attachment: Theory, research, and clinical applications. New York: Guilford Press.
- Donowan, James M. (2003). Short term Object Relation Couple Therapy: 5- Step Model. New York: Brunner – Rout ledge.